

افندی، ریاض...، ۴۴/۲، ۳۹۹؛ آقابزرگ، ۲۰۸/۱؛ نوری، ۴۱۱/۳؛ مرعشی، ۲۸/۲). فیض کاشانی نیز در سفر مکه محضر امین استرآبادی را درک کرده، و یک چند مصاحب وی بوده است (فیض کاشانی، الاصول...، ۲-۱، «الحق...»، ۱۲).

امین استرآبادی به گفته علی خان مدنی در ۱۰۳۶ ق درگذشت (ص ۲۹۱؛ قس: بحرانی، ۱۱۹، که سال ۱۰۳۳ ق را آورده است) و پیکرش را در کنار مقابر عبدالمطلب و ابوطالب به خاک سپردند (نوری، همانجا). طریقه‌ای که امین استرآبادی بنیان نهاد، در سنت فقهی - کلامی امامیان بی سابقه نبود و او خود نیز سعی داشت تا خویش را دنباله‌رو شیوه کلینی و صدوقین از قدمای اصحاب حدیث امامیه قلمداد نماید (ص ۴۰). البته این ادعا از سوی مخالفان او پذیرفته نشده است (مثلاً نک: کاظمی، ۲۰۷؛ نیز بحرانی، ۱۷-۱۸). بی تردید پیش از امین استرآبادی فکر اخباری‌گری وجود داشت، اما این طریقه به گونه‌ای که امین استرآبادی بنیان نهاد، مربوط به خود اوست.

امین استرآبادی سعی داشت که در محافل امامیه، اجتهاد اصولیان را به عنوان یک خطر مطرح سازد و می خواست با رجوع به اخبار، مذهب سلف را احیا کند. درباره زمینه‌های ظهور افکار امین استرآبادی، این نکته مسلم است که فضای فکر دینی عصر صفوی و نقش عالمانی چون محقق کرکی و روش اجتهادی ایشان در این باره مؤثر بوده است. به هر حال، در سراسر کتاب الفوائد، برخورد انتقادی امین استرآبادی با روش اجتهادی محقق کرکی، و گاه به طور کلی اصولیان دیده می‌شود (نک: ص ۴۹، ۹۲، ۱۹۳-۱۹۴، جم).

در باب منابع شریعت، امین استرآبادی بر این اعتقاد است که همه احکام شرعی در کتاب و سنت بیان شده است. او با تکیه بر اینکه قرآن نخستین اصل تشریع است، و نیز بر پایه حدیثی از امام صادق (ع)، بر این نکته اصرار می‌ورزید: هر امری که دو تن در آن اختلاف کنند، حتماً برای آن اصلی در کتاب خدا وجود دارد، ولی عقول مردمان بدان راه نمی‌برد (ص ۱۰۶). او تأویل قرآن را براساس افکار و آراء شخصی باطل می‌شمارد و آن را تنها مخصوص اهل بیت (ع) می‌داند که معصوم از خطا هستند (ص ۴۷، ۱۱۶، جم) و بدین ترتیب، بر آن است که استنباط احکام نظری از آیات قرآنی که محتمل وجوه متعدد است، جز برای معصومان اهل بیت (ع) که مخاطبان واقعی قرآن هستند، امکان پذیر نیست (ص ۲۴۸، نیز ۱۳۵).

امین استرآبادی درباره سنت نبوی نیز معتقد است که استنباط احکام نظری از آن، بدون تفحص از احوال سنت و ناسخ و منسوخ آن جایز نیست و این تفحص، تنها به واسطه رجوع به اهل بیت (ع) ممکن خواهد بود (ص ۱۳۶). در واقع امین استرآبادی نظریه خویش در باب شریعت را بر دو پایه استوار کرده است: یکی کمال شریعت در کتاب و سنت، و دیگر اعتقاد به اینکه کلید معرفت شریعت، رجوع به علم امام معصوم است که وارث پیامبر اکرم (ص) به شمار می‌رود (ص ۴۴-۴۵، ۴۷، ۵۲-۵۳، جم). وی به صحت جمیع احادیث کتب اربعه و اصولاً

الدریه به رد عقاید و هابیه پرداخته است (نک: هاشمی، ۴۰۱؛ بی)؛ در حالی که او با تکیه بر ضرورت هم‌آوایی مسلمانان، در اثر دیگرش حق الیقین فی لزوم التالیف بین المسلمین آن را تبیین کرده است (نک: زراقت، ۱۸۴-۱۸۵).

اعیان الشیعه، مهم‌ترین اثر امین دانشنامه‌ای گسترده، مشتمل بر شرح زندگانی بزرگان شیعه است که با هدف شناساندن هویت فرهنگی شیعه و یادآوری نقش امامیه در اعتلای تمدن اسلامی تدوین شده است. سرگذشت، بررسی آراء و آثار ۱۱۷۳۳ نفر - با توسعی در مفهوم شیعه اثنا عشری - در این مجموعه جای گرفته است (برای فهرستی از آثار وی، نک: مشار، ۲۰۶/۵-۲۱۰).

مآخذ: امین، محسن، اعیان الشیعه، به کوشش حسن امین، بیروت، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م؛ حمود، محمد، «الرجل و العقیده»، الثقافة الاسلامیه، دمشق، ۱۴۰۷ ق، ش ۱۲؛ زراقت، عبدالمجید، «الجانب الاصلاحی للملامه السید محسن الامین العالمی»، الصلح الاسلامی السید محسن الامین، دمشق، ۱۴۱۲ ق/ ۱۹۹۲ م؛ شریف رازی، محمد، گنجینه دانشمندان، تهران، ۱۳۵۲ ش؛ فضل‌الله، هادی، «السید محسن الامین»، الثقافة الاسلامیه، دمشق، ۱۴۱۰ ق، ش ۲۹؛ مجله المجمع العلمی العربی، دمشق، ۱۳۷۲ ق/ ۱۹۵۲ م، ش ۲۷ (۴)؛ مشار، خانبابا، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، تهران، ۱۳۴۳ ش؛ هاشمی، احسان، الکلیه، بیروت، ۱۹۲۸ م، ش ۱۵.

محمد انصاری

امین آخوند رازی، نک: رازی، امین احمد.

امین استرآبادی، محمد امین بن محمد شریف (د ۱۰۳۶ ق/ ۱۶۲۷ م)، از علمای نامدار امامی و بنیان‌گذار گرایش اخباریه. از آغاز زندگی او اطلاعی در دست نیست، ولی می‌دانیم که مدتی از دوره جوانی خویش را در شیراز سپری کرده، نزد شاه تقی الدین محمد نسابه مدت ۴ سال دانش اندوخته، و از علوم عقلی بهره گرفته است (امین استرآبادی، ۱۳۳)؛ وی گویا سپس به نجف رفته، و از سید محمد عالمی که از او به عنوان نخستین استاد خود در حدیث و رجال نام برده، به فراگیری علوم نقلی پرداخته است (همانجا). او در نجف از محضر شیخ حسن صاحب معالم نیز استفاده علمی برده، و از او اجازه‌ای نیز دریافت داشته است (خوانساری، ۳۰۹/۱؛ نوری، ۴۱۲/۳؛ قس: امین استرآبادی، ۱۸۵).

از عبارتی که در الفوائد امین استرآبادی (ص ۲۷۸) آمده، چنین برمی‌آید که وی ظاهراً در نوبت دوم اقامتش در شیراز (از حدود سال ۱۰۱۰ ق/ ۱۶۰۱ م) به مکه رفت و مدتی در آنجا مقیم شد (نیز نک: علی خان مدنی، ۴۹۱). سال ورود وی به مکه روشن نیست، ولی ظاهراً زودتر از ۱۰۱۴ ق نبوده است، زیرا نسخه‌ای از آثارش در همین سال در شیراز کتابت شده است (آستان...، ۴۹۰). آخرین استاد وی در فقه و حدیث و رجال، میرزا محمد استرآبادی، عالم مقیم مکه بوده، و او در آنجا از اوایل سال ۱۰۱۵ ق تا حدود ۱۰ سال نزد وی دانش آموخته است (امین استرآبادی، ۱۷، ۱۸۵).

وی شاگردان مشهوری داشته است (نک: حر عاملی، ۲۴۲/۲؛

(آقابزرگ، ۲۰۴/۶) اشاره کرد (برای دیگر آثار، نک: مرعشی، ۹۸/۲؛ مرکزی، ۱۷۹۴/۵؛ دانش‌پژوه، ۲۶۳/۲؛ مدرسی، ۲۲۹؛ برای آثار یافت نشده، نک: امین استرابادی، ۴؛ حر عاملی، همانجا؛ بحرانی، ۱۱۹).

مأخذ: آستان قدس ف، فهرست: آقابزرگ، الذریعة؛ افندی، عبدالله، تعلیقه امل الآمل، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۴۱۰ ق؛ همو، ریاض العلماء، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۴۰۱ ق؛ امین استرابادی، محمد، الفوائد المدنیة، تبریز، ۱۳۲۱ ق؛ بحرانی، یوسف، لؤلؤة البحرين، نجف، مطبعة النعمان؛ حر عاملی، محمد، امل الآمل، به کوشش احمد حسینی، بغداد، مکتبة الاندلس؛ خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات، تهران، ۱۳۹۰ ق؛ دانش‌پژوه، محمدتقی و بهاء‌الدین انواری، فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (سنای سابق)، تهران، ۱۳۵۹ ش؛ دبستان مذاهب، به کوشش رحیم رضازاده ملک، تهران، ۱۳۶۲ ش؛ شورا، خطی؛ صدر، محمدباقر، المعالم الجدیدة، نجف، ۱۳۸۵ ق؛ علی‌خان مدنی، سلافة العصر، نجف، المکتبة المرتضویة؛ فیض کاشانی، محمدمحسن، الاصول الاصلیة، قم، ۱۴۱۲ ق؛ همو، «الحق المبین»، همراه الاصول الاصلیة، قم، ۱۴۱۲ ق؛ کاظمی، اسدالله، کشف القناع، ج سنگی، ۱۳۱۷ ق؛ مدرسی طباطبائی، حسین، مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ترجمه محمدآصف فکرت، مشهد، ۱۳۶۸ ش؛ مرعشی، خطی؛ مرکزی، خطی؛ ملک، خطی؛ منزوی، خطی؛ نوری، حسین، مستدرک الوسائل، تهران، ۱۳۸۲ ق؛ نیز:

Kohlberg, E., «Astarābādī, Iranica, vol. II.

حسن انصاری

امینجی (دشوال ۱۰۱۰/مارس ۱۶۰۲)، فقیه اسماعیلی هندی از فرقه داوودیهای طیبی و فرزند جلال بن حسن (بیست و پنجمین داعی مطلق مستعلویان طیبی). وی در احمدآباد گجرات می‌زیست و در همانجا درگذشت (ایوانف، ۸۸؛ پونا والا، «کتاب‌شناسی...»، ۱۸۵). امینجی در سلسله مراتب دعوت اسماعیلی به مقامات بالایی دست یافت (دفتری، ۳۰۳)، اما شهرت وی بیشتر به سبب آثاری است که به ویژه در زمینه فقه تألیف کرده است. وی به شرح و تفسیر برخی از آثار فقهی و غیرفقهی قاضی نعمان، فقیه مشهور اسماعیلی، همت گماشت و کوشید تا مسائل فقهی مربوط به جامعه اسماعیلی زمان خود را گردآوری کند. طایفه «پُره‌های طیبی» پس از قاضی نعمان وی را مرجع مهمی در مسائل فقهی می‌دانند (همانجا: S، EI²)، اما این بدان معنا نیست که امینجی نظریات نوی را ارائه کرده است. فقه اسماعیلی که با قاضی نعمان آغاز گردید، صرفاً منحصر است به آراء فقهی و نظریات وی که در طول حکومت فاطمیان و پس از آن توسط اسماعیلیان طیبی در یمن و هند، و به ویژه فرقه داوودیه‌ها به عنوان میراث فقهی حفظ شد و ارزش آثار امینجی نیز - جدا از اطلاعاتی که راجع به وضعیت اجتماعی اسماعیلیان هند غربی به دست می‌دهد - در شرح و تفسیر نظریات قاضی نعمان خلاصه می‌گردد (نک: پونا والا، «قاضی نعمان...»، ۱۳۱-۱۳۲؛ دفتری، ۲۵۵-۲۴۹).

گفته شده است که پس از انشعاب طیبیه‌ها به دو گروه داوودی و سلیمانی، امینجی از داوود برهان‌الدین به عنوان داعی مطلق حمایت کرد و رساله‌ای نیز در این باب نوشت که جعفر فرزند سلیمان بن حسن

صحت غالب احادیث امامی قائل است (نک: ص ۵۰-۵۱، ۱۸۱-۱۸۴، ج ۱) و معتقد است که منابع کتب اربعه، اصولی است که اصحاب ائمه (ع) آن را مدون ساخته، به مضامین آن عمل می‌کردند (ص ۱۸۱). امین استرابادی همچنین تقسیم چهارگانه حدیث به صحیح، حسن، موثق و ضعیف را - که متأخران بدان دست یازیده‌اند - باطل دانسته، و با تکیه بر اینکه این روش نزد متقدمان امامیه معمول نبوده، آن را به شدت رد کرده است (ص ۵۳-۵۵، ۵۹-۶۰، ج ۱).

امین استرابادی بر این باور است که تحصیل حکم شرعی براساس کسب و نظر مقبول نیست، زیرا این مباحث موجب اختلافات اصولی و فقهی می‌شود، و فائده بحث انبیا و انزال کتب نقض می‌گردد (ص ۹۰-۹۱). او همچنین در رویکردی به علم کلام، اعتماد بر این دانش را که مبتنی بر منطق و حجج عقلی است، نیز نادرست می‌انگارد (ص ۱۱۷؛ برای تحلیلی از افکار او، نک: صدر، ۴۳-۴۴).

آثار: تنها اثر انتشار یافته امین استرابادی، الفوائد المدنیة فی الرد علی من قال بالاجتهاد و التقليد فی نفس الاحکام الالهیة است که به‌خصوص معرف مبانی فکری او در رد بر شیوه فقهی اصولیان است (برای حواشی و ردیه‌ها، نک: آقابزرگ، ۷۴/۵، ۱۶۸/۶، ۱۸۶/۱۰، ۳۵۹-۳۵۸/۱۶).

از میان آثار خطی، مهم‌ترین نوشته‌های او عبارتند از: ۱. شرح الاستبصار، یا الفوائد المکیة، که شرحی است ناتمام بر استبصار شیخ طوسی، و مقدمه آن مباحثی در علم حدیث و درایه را در بردارد (برای نسخه خطی، نک: مرعشی، ۱۷۰/۱۲). وی حواشی و تعلیقاتی نیز بر الاستبصار داشته است (افندی، تعلیقه...، ۲۴۷)؛ ۲. شرح تهذیب الاحکام، شرحی ناتمام بر تهذیب شیخ طوسی (حر عاملی، همانجا؛ برای نسخه‌ها، نک: مرعشی، ۱۷۴/۱۰، ۱۷۱/۱۲). حواشی وی بر تهذیب و استبصار را مؤلفی در ۱۱۳۳ ق در مجموعه‌ای با عنوان جامع الحواشی گرد آورده است (آقابزرگ، ۵۱/۵)؛ ۳. حاشیه بر الکافی کلینی، که فاضل قزوینی آن را جمع‌آوری کرده است (افندی، همانجا؛ برای نسخه، نک: مرعشی، ۱۶۳/۱۲، ۲۳۲/۱۷؛ برای اثری دیگر با عنوان شرح اصول الکافی، نک: امین استرابادی، ۴؛ حر عاملی، همانجا)؛ ۴. دانشنامه شاهی، رساله‌ای است به فارسی که در آن از مباحث کلامی و غیر آن سخن رفته، و آن را به نام سلطان محمد قطب‌شاه دکنی نوشته بوده است. امین استرابادی این کتاب را در مکه و پس از تحریر اول یا دوم الفوائد المدنیة به نگارش آورده است (نک: دبستان مذاهب، ۲۴۷/۱-۲۴۹؛ آقابزرگ، ۴۶/۸؛ برای برخی نسخ، نک: شورا، ۶۲۳/۱۰؛ ملک، ۱۳۸/۹؛ آستان، ۲۴۳؛ مرکزی، ۲۶۱۸/۱۴؛ منزوی، ۶۶۴/۱). کلبرگ بر پایه اهدای کتاب، احتمال داده است که شاید استرابادی چند سالی را در هند گذرانیده باشد (نک: ص ۸۴۵).

از دیگر آثار خطی برجای مانده باید به حاشیه بر انموذج العلوم دوانی (آستان، ۱۱۸)، المسائل الثلاث الکلامیة (همان، ۴۹۰)، رساله‌ای در بداء (همان، ۸۴) و حاشیه بر معارج الاصول محقق حلی